

الطاف حسین،

استاد راهنما:

پرفسور اشتیاق احمد

مرکز مطالعات فارسی و آسیای مرکزی

دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی نو

تداوم و تغییر در عصر رنسانس ایران

میرزا ابوالقاسم قائم مقام و میرزا تقی خان امیرکبیر در تداوم و تغییر در عصر رنسانس ایران جایگاه مهمی دارند. میرزا تقی خان امیرکبیر ستاره بینظیری بود که در عصر رنسانس ایران خوش درخشید و در زمانی کوتاه کار مهمی انجام داد. میرزا تقی خان امیرکبیر استعدادهای میرزا ابوالقاسم قائم مقام مورد توجه قرار گرفت و توسط قائم مقام مقامی والا، آگاه و وطن پرست شد. میرزا تقی خان امیرکبیر در اصل عاشق پیشرفت و تعالی ایران بینظیر بود. مورخان، عموماً درباره شرح خدمات بزرگ میرزا ابوالقاسم قائم مقام و میرزا تقی خان امیرکبیر در زمینه اخلاق و ارسته، نظامی، اقتصادی، سیاسی، اصلاح امور شهری و تجارب مثبت غربی اتفاق نظر دارند و داد سخن داده اند.

عهد میرزا ابوالقاسم قائم مقام و میرزا تقی خان در زمینه سیاسی و اجتماعی و ادبی یادگار دایمی است. در نظری عمیق می بینیم که تداوم و تغییر این تحولات یکباره آغاز نمی شوند بلکه پس زمینه این پر از وجوهات یا کمی داشته که سرزمین ایران را برای تحولات متفاوت آماده کرد. در این عهد کشور ایران در سیاست نامساعد کشیده شد و علاوه بر این کشور روسیه، فرانسه و

انگلیس بایکدیگر در زمینه متفاوت رقابت می کردند . کشور ایران نزدیک هند و علاوه به راه طبیعی میان هند و ایران مسأله بزرگ سیاسی در آن عهد به شمار می رفت . کشور انگلستان روی هند در آن عهد تاثیر و آمدورفت بسیار داشته بود و نمی خواست که دیگر کشورها با کشور ایران دوستی کنند و به هند نزدیک شوند .

هرات و افغانستان هر دو ، دیوار مانع بین کشور هند بودند و به همین سبب انگلیسیها نمی خواستند که ایران و دیگر کشورها با هرات و افغانستان دوستی کنند و نزدیک هند شوند . از بین سیاست بزرگ ، کشور ایران خواه ، ناخواه در سیاست درگیر شد . ولی به کوشش پادشاهان و به کمک وزرا ، ایران از این دشواری بیرون آمد . خصوصاً مردم بزرگ و سر آورده در بهروزی و بهسازی ایران کار مهمی انجام دادند مانند میرزا ابوالقاسم قائم مقام و میرزا تقی خان امیرکبیر . پادشاهان این دوره تا حدی هم ایران را از تاریکی های متفاوت بیرون کشیدند . در این عهد بسیاری از مردم کشور ایران از مطالعات فنی ، نظام جدید ، غرب شناسی و علاوه به میدان ادبی ، صنعتی ، اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی به خوبی آگاه شدند . با نظری عمیق به این عهد می بینیم که همه چیز از یک طرف در ناامنی و از طرف دیگر در تداوم و تغییر می گذرد .

درباره نشیب و فراز که در این عهد واقع شد متذکرانند . جای "گرجستان" در حقیقت از زمانه قدیم تحت فشار کشور های متفاوت مانند روسیه ، پادشاهان صفوی ، آل عثمان و قاجار ماند و همه پادشاهان قاجار درگیر مسأله بزرگ گرجستان روبرو شدند . در اصل "هراکلیوس" والی گرجستان ، در مقابل گرجستان در سال

1783 هجری از ایران چشم پوشی کرد. ملکه کاترین گرجستان را تحت تصرف خود قرار داد. آقا محمد خان قاجار در سال 1795 هجری "گرجستان" را از تصرف روسیه خارج و در کمترل خود در آورد. وقتی که آقا محمد خان قاجار در سال 1797 هجری در گذشت، "گرجستان" دوباره به تصرف کشور روسیه آمد. "گرجستان" از طرف شمال نزدیک کشور روسیه بود.

فتحعلیشاه هم درگیر این مسأله بزرگ شد. در زمان فتحعلیشاه مناطق شمال غربی ایران و منطقه قفقاز تحت فشار روسیه بودند. ایران در دوران جنگ اول از فرانسه کمک خواست. "بناپارت" سردار معروف روسیه در سال 1804 م به تخت نشست. کشور ایران از "ناپلیون فرانسه" می خواست که کمک بگیرد. کشور فرانسه سرانجام به کمک ایران آماده شد و سفیر "ثنرال رومیو" و "آماده ژوبر" به ایران فرستاد. عهد نامه به نام "عهد نامه فینکنشتاین" بین کشور فرانسه و ایران امضا شد. این معاهده بین دو کشور در سال 1807 م در شانزده ماده بسته شد. در این معاهده ناپلیون به برگرداندن گرجستان، فراهم توپ ریزی به ایران وعده داد. ولی فرانسه سرانجام در قرارداد خود با ایران عهد شکنی کرد و با "الکساندر اول" امپراطور روسیه در شهر تیلسیت معاهده بست و وعده ای که با ایران بسته بود به خام رسید.

موضوع سهم میرزا ابوالقاسم قائم مقام و میرزا نقی خان امیرکبیر در تداوم و تغییر در عصر رنسانس ایران يك دوره مخصوص متوسط در عهد قاجار به شمار می رود. دوره ابتدای قاجار در حقیقت از سیاست ناخوشگوار می گذرد مانند مراقبت بین

کشورهای بزرگ و علاوه به معاهده بین روسیه و ایران، کشور ایران را به دشواری انداخت. مسئله "گرجستان" که تفصیل آن به بالا ذکر شده است در اصل ریشه فساد می آید. "گرجستان" نواحی قفقاز جز ایران بود. وقتی دولت قاجار و زند با هم درگیر مبارزه بودند. "هراکلیوس" والی گرجستان بود از پناه دولت ایران خود را آزاد ساخت و تحت حمایت روسیه آمد. این مسأله سیاسی گرجستان موجب زوال "معاهده گلستان" در سال 1813 م. بین ایران و روسیه شد. این مبارزه بین ایران و روسیه از سال 1804 م. تا 1813 م. طول کشید. این معاهده به موجودگی سرگور اوزلی و به نمایندگی میرزا ابوالحسن خان ایلچی از طرف ایران و از طرف روسیه به نمایندگی "ردیشخوف" در یازده فصل و یک مقدمه امضا شد. در این عهدنامه گفته شد که جاهایی که به دست ایران اند به ایران تعلق گیرند و آن نواحی که به دست روسیه اند به روسیه تعلق گیرند. در این جنگ جای زرخیز ایران مانند قفقاز، ارمنستان و جای گرجستان مانند کاختی و کارتلی به دست روسیه افتادند. این معاهده کاملاً به اجرا نرسیده بود چرا که وقت معاهده خط مرزی بین دو دولت کاملاً تعیین و روشن نشده بود. شهر "گوگچه" در ایران بود و همین سبب جنگ دوباره شد. دیری نگذشت که یک معاهده دیگر "معاهده ترکمانچای" در سال 1828 م. باعث جنگ بین ایران و روسیه شد. این مبارزه از سال 1826 تا 1828 م. تداوم پیدا کرد. این معاهده بین دو سفیر به نامهای "ابو الحسن شیرازی" از طرف ایران و "ایوان پاسکویچ" از طرف روسیه به امضا رسید. در این عهدنامه وعده به واگذاری های ایروان و نخجوان به دولت

روسیه و علاوه بر آن بیست میلیون تومان غرامات جنگی از طرف ایران به روسیه و اجازه عبور کشتی های تجاری روسیه به دریای خزر و عهدنامه مخصوص بسته شد. بعد از معاهده ترکمانچای قتل "گریبایدف" سفیر روسیه در سال 1828 م. به ایران تردید جنگ سوم بین ایران و روسیه نزدیک شده بود. سرانجام فتحعلیشاه برای عذرخواهی خسرو میرزا، محمد خان زنگنه و میرزا تقی خان امیر کبیر را به روسیه فرستاد.

مسئله هرات هم بین ایران و انگلیس مسأله بزرگی به شمار می رفت. وقتی که روسیه با ایران به "معاهده ترکمانچای" در سال 1828 م. رسید و به فکر افتاد که توسط فتحعلیشاه بر هرات قبضه خواهد کند و سرانجام به این سبب روی هند تسلط خود به آوردند. وقتی که فتحعلیشاه محمد میرزا را برای تسخیر هرات فرستاد، در همین وقت عباس میرزا پدر محمد میرزا درگذشت. یک سال بعد فتحعلیشاه درگذشت و محمد میرزا از تسخیر هرات دست کشید. سپس محمد شاه در سال 1253 هجری دوباره به فکر تسخیر هرات افتاد ولی به سبب مداخلت انگلیس از تسخیر هرات دست کشید. در زمان ناصرالدین شاه مسأله هرات هم باقی ماند. ناصرالدین شاه سلطان مراد میرزا را به تسخیر هرات فرستاد. در سال 1282 هجری سلطان مراد میرزا هرات را تسخیر کرد و انگلیس را بیمناک ساخت. سرانجام دولت انگلیس جزیره "خارک" و علاوه بر آن "بوشهر" را به تصرف خود آورد و به ایران لشکرکشی کرد. از همه این لشکرکشیهای انگلیس فرخ خان امین الدوله سفیر ایران و لُرد کولی سفیر انگلیس به معاهده ای به نام "معاهده پاریس" در

سال 1857 م رسیدند. ناصرالدین شاه سرانجام از تصرف هرات چشم پوشی کرد و در اواخر هرات با افغانستان ملحق شد.

شورش سالارها و علاوه بر آن شورش بایان به دست میرزا تقی خان امیرکبیر خاتمه یافت. شورش "محمد حسین خان سالار" پسر اللهیار خان آصف الدوله در سال 1260 ق. آغاز شد. این شورش سرانجام به مخالفت با "حشمت الدوله" در خراسان هم برخاست ولی به کمک میرزا تقی خان امیرکبیر تا حدی کم شد.

فتنه بایان در اواخر عهد محمد شاه واقع شد. باب فرقه ای ساخته و دست پرورده استعمار بریتانیا بود. در اواخر محمد شاه قاجار دست به فتنه انگیزی زدند و به کشتار شهری عموم در زنجان، تبریز، یزد و علاوه به مازندران پرداختند. در این هنگام میرزا تقی خان امیرکبیر به سرکوبی بایان کار مهمی انجام داد. سرانجام گروه باب با قتل محمد علی باب در سال 1266 هجری قمری به پایان رسید. از همه این بحث واضح است چقدر میرزا تقی خان و ابوالقاسم قائم مقام به بهروزی و بهسازی ایران در زمینه تداوم و تغییر کار مهمی انجام دادند. به همین سبب معلوم می شود چقدر از يك طرف مشکلات در زمینه متفاوت و به طرف دیگر تداوم و تغییر از راه مشکلات سپری می کنند.

تداوم و تغییر در ادبیات هم در این دوره قابل ستایش است یعنی موسوم به "نهضت بازگشت ادبی" و در حقیقت به پیروی بازگشت کهنه پرستی و نوگرایی به وجود آمد. میرزا ابوالقاسم قائم مقام در ساده نویسی در این عهد تحول بزرگی ایجاد کرد. در این عهد شعرا و نویسندگان به اخذ تعلیم به اروپا سپری می کردند. اگر

به نظری گشاده دیده شود در دوره صفوی شعرا و نویسندگان محدود به مدح شاهان و مذهبی بودند و علاوه بر این در دوره مغول اگرچه ادبیات گسترده شد باوجود این سبک متكلفانه و مخلوط به زبان تازی بود. در دوره تیمور نثر ساده و مختصر به وجود آمد. "روزنامه کاغذ اخبار" توسط میرزا صالح شیرازی در زمان محمد شاه در سال 1253 هجری قمری به وجود آمد. شعرا و نویسندگان سعی می کردند که ادبیات قابل فهم مردم عامه شود و یکی از مشهورترین مثال میرزا ابوالقاسم قائم مقام است که هروقت به نثر ساده توجه مبذول داد. گاهی جا مردم نمی خواستند که فن جدید و غرب شناسی را جذب و اخذ کنند و کهنه پرستی را زیاد می پسندیدند. به این سبب این دوره شاهی و نیم شاهی در زمینه سیاسی، اجتماعی و ادبی شمرده می شود. پادشاهان و وزیران به بهبودی ایران کار مهمی انجام دادند. شکست پی در پی ایران که ذکر آن شکست در بالا نوشته شده است سپس نظر ایران به فکر تجدد و روی پسماندگی خود افتاد. میرزا عباس، ابوالقاسم قائم مقام و میرزا تقی خان امیرکبیر برای زبان و ادبیات فارسی خدمات شایانی انجام دادند چرا که بدون شناسایی علوم و فنون جدید پیشرفت ناممکن بود. بسیار دانشجویان به اروپا رفتند مانند میرزا صالح شیرازی که در سال 1230 هجری قمری به اروپا رفت و اولین بار روزنامه "کاغذ اخبار" در سال 1830 م. منتشر کرد. علاوه بر این دانشجویان بسیاری مانند محمد کاظم و استاد محمد علی به اروپا رفتند.

میرزا تقی خان امیرکبیر از گامهای میرزا ابوالقاسم پیروی

کرد. کارشایان وی بنای "دارالفنون" در سال 1851 م. است. این اولین دانشگاه مدرن و نهاد مدرن به آموزش عالی به ایران شمار می آید. این نهضت ادبی در اصل از حسن توجه شاهان، و هنر دوستی و ادب پروری وزرا به اوج رسید. فتحعلیشاه هم شعر می سرود و "خاقان" تخلص می کرد. وی می خواست که دربار وی مثل دربار محمود غزنوی و سلطان سنجر شود - در دربار وی شعرا و ادبا آمدند مانند فتحی خان صبا کاشانی و سید محمد صاحب اصفهانی به جنبش ادبی کارشایانی کردند. فتحعلیشاه يك انجمنی تشکیل داد به اسم "انجمن خاقان" و شعرا و ادبا در این به گروه جمع می شدند و به طرز ساده نویسی به پیروی از قدما می پرداختند

فتحعلیشاه توجه بسیاری به شعرا و ادبا داشت و به آن دسته از شعرا که شعر مدیحه می سرودند انعام خوبی می داد. فتحعلی خان صبا ملك الشعرا در دربار وی بود و يك کتاب به وزن شاهنامه فردوسی نوشت. فتحعلیشاه وی را پسند کرد و چهل هزار مثقال طلا به وی انعام داد. اگر از دلچسپی عمیق به بینیم و بخواهیم که فهرستی از کل شاعران و نویسندگان تهیه کنیم يك کتاب بزرگ تهیه می شود. دانش آموزان در این عهد با علوم اروپایی آشنایی یافتند. امیرکبیر وقتی که "دارالفنون" را بنا کرد مردم عامه از علوم جدید شناسایی یافتند. نهضت ادبی در این دوره به همین سبب اهمیت دارد چرا که دوره قبلاً از این عهد خصوصاً عهد صفوی زبان و ادبیات در قیود مذهبی بود و در این عهد هیچ قید و بندی نبود. در زمان صفوی شعرا و نویسندگان به

هند کوچ کردند ولی در این عهد نرفتند. در این عهد رنسانس شعرا و ادبا و وزرا به آزادی بخشیدن ادبیات، به طرز قدیم پرداختند. نثر در این دوره در مقابل شعر در درجه دوم دارد. پادشاهان به کلام منظوم زیاد غلبه داشتند.

ایران در این عهد به سبب جنگهای متفاوت و علاوه با تماس کشور بزرگ مانند انگلیس، فرانسه و روسیه چیزهای متفاوت آشنای یافت مانند زمینه لشکرکشی، نظام جدید و علاوه به اسلحه های جدید. کشور فرانسه دوران جنگ اول "ژنرال گاردان" را به ایران فرستاد و مدتی وی در ایران کار مهمی انجام داد. میان ایران و فرانسه نامه هایی ردوبدل می شدند. افکار تجدد در ایران به سبب بسط روابط ایران و فرانسه زیاد شد. فتحعلیشاه خاطر پزیرای افسران فرانسوی زیاد می کرد. "فابوبیه" وزیر تاسیس "توپ خانه" کار مهمی انجام داد. فتحعلیشاه از سال 1834 م. تا 1897 م. حکمرانی کرد. سپس محمد شاه قاجار به تخت نشست - سهم وی و عباس میرزا در زمینه نظامی و فنی و در علم و صنعت جدید پیشرفت زیادی به بار آورد. در زمان محمد شاه خزانه تهی، شورش باب و سالار و محاصراه هرات زیاد به تداوم و تغییر موفقیت نیافت. محمد شاه 1834 م. تا 1848 م. حکمرانی کرد. سپس ناصرالدین شاه به سلطنت رسید. ناصرالدین شاه 1848 م. تا 1896 م. حکمرانی کرد. وقتی که ناصرالدین شاه به سلطنت رسید گاهی با دشواری روبرو می شد. در زمان محمد شاه قاجار شورشهای زیادی برخاستند. ناصرالدین شاه قاجار، میرزا تقی خان امیرکبیر را به عنوان صدر اعظم خود انتخاب کرد. میرزا تقی خان امیرکبیر برای استحکام

دولت ایران کار مهمی انجام داد. وی در پایان دادن شورش قدم مهمی برداشت. میرزا تقی خان امیرکبیر با خسرو میرزا در سال 1244 به اروپا سفر کرد. وی در زمان محمد شاه به همراه ناصرالدین شاه به روسیه رفت. وی برای اصلاح وضع نظام و توسعه فرهنگ تلاش بسیاری کرد. ناصرالدین شاه 50 سال حکمرانی کرد و بعد از فراق میرزا تقی خان امیر و صدارت آقاخان نوری در سال 1268 هجری قمری سلطنت را به زوال انداخت. ولی با وجود این ناصرالدین شاه سه سفر به اروپا کرد اول در سال 1287 هجری و سفر دوم در سال 1295 هجری قمری و سفر سوم در سال 1307 هجری قمری. در زمان ناصرالدین شاه نخستین خط تلگراف در سال 1268 هجری بین باغ لاله زار و قصر کشیده شد. وقتی که ناصرالدین شاه به اروپا سفر کرد به فکر ایجاد "خط آهن" افتاد. شهر ری نخستین مسیر آغاز "خط آهن" یادگار اوست. به همین سبب آشکار می شود که شاهان و وزرای آنها در زمینه تداوم و تغییر به همکاری کار خوبی انجام دادند. اکنون به سهم جداگانه و مخصوص میرزا ابوالقاسم قایم مقام و میرزا تقی خان امیرکبیر در زمینه تداوم و تغییر پرداخته می شود.

میرزا ابوالقاسم قایم مقام در زمینه های متفاوت برای پیشرفت کشور ایران کارهای مهمی کرد. اجداد میرزا ابوالقاسم قایم مقام از فراهان عراق عجم بودند. اسم اجداد حسن و حسین که فضلا اعلی در زمان خود بودند. اجداد وی به منصب وزرات زندیه بودند. میرزا حسن یک پسر داشت و اسمش میرزا عیسی نهاد و به اسم میرزا بزرگ معروف شد. بعد از انقراض سلطنت زندیه

میرزا بزرگ به دولت قاجار راه یافت. سپس از میرزا بزرگ پسری به دنیا آمد که اسمش میرزا ابوالقاسم قایم مقام فراهانی گذاشت و به دستور فتحعلیشاه به وزارت رسید و لقب "سید الوزرا" یافت. میرزا ابوالقاسم در زمینه امور لشکری توجه خاصی مبذول کرد. "مجموعه رسایل و منشآت" قایم مقام از عبارت متکلف دور و به نزدیک ساده گفتاری است. میرزا ابوالقاسم قایم مقام "ثنایی" تخلص می کرد و مثنوی به اسم "جلایر نامه" از آثار معروف اوست. میرزا ابوالقاسم قایم مقام در امنیت داخلی ایران و علاوه بر آن در حوزه امنیت خارجی کار مهمی انجام داد. بعد از جنگ دوم بین روسیه و ایران، ناگهان تبریز در سال 1243 هجری به قبضه روسیه آمد. شاه ناجار می شود و سرانجام میرزا ابوالقاسم قایم مقام کنترل کننده بین ایران و روسیه سپرده شد. میرزا ابوالقاسم قایم مقام ایران را از جنگ دوم و علاوه بر آن تبریز را از غلبه روسیه بیرون آورد.

بین کشور ایران و کشور روسیه بعد از "معاهده ترکمانچای" رفت و آمد زیاد شد. به همین سبب سفیر روسیه "گریبایدف" در سال 1244 هجری قمری به ایران آمد. چند ماه بعد کشته شد. سپس به دستور فتحعلیشاه با خسرو میرزا به روسیه رفت. میرزا ابوالقاسم قایم مقام تردید جنگ سوم با استعدادی خود در سال 1245 هجری قمری میان روسیه و ایران خاتمه کرد. میرزا ابوالقاسم قایم مقام مخالف رشوه گیری بود. وی در بهروزی و بهسازی ایران جدی بود. میرزا ابوالقاسم افراد متخصص را در امور کشوری مامور می کرد. وی سیاست دار و کشوردار بود. سپس میرزا تقی

خان امیرکبیر گامهای میرزا ابوالقاسم را پیروی کرد.

تاریخ ولادت میرزا تقی خان امیرکبیر به طور کاملاً دقیق معلوم نیست. بعضی سال 1210 هجری قمری و بعضی سال 1212 هجری قمری نوشته اند. اسم پدر وی کربلایی محمد قربان که کار آشپزی در خانه میرزا بزرگ می کرد. میرزا تقی خان امیرکبیر در سن کودکی به خانه میرزا ابوالقاسم قایم مقام بود. به همین دلیل معلوم می شود میرزا تقی خان امیرکبیر به خانه میرزا ابوالقاسم قایم مقام پرورده شد و همان گامهای تداوم و تغییر میرزا ابوالقاسم قایم مقام را پیروی و پیشرفت کرد. میرزا تقی خان امیرکبیر سه ماموریت سیاسی به خوبی به پایان رسانید. بعد از "معاهده ترکمانچای" در سال 1828 م. بین ایران و روسیه، آمدورفت بین دو کشور شروع شد. به همین سبب سفیر روسیه به اسم "گریبایدوف" در سال 1244 هجری قمری به ایران آمد و کشته شد. سپس میرزا تقی خان امیرکبیر با خسرو میرزا به روسیه برای عذرخواهی رفت و موافق شد. سفر دوم میرزا تقی خان امیرکبیر برای استقبال از امپراتور جدید به "اسم نیکلای اول" به روسیه در سال 1253 هجری قمری اتفاق افتاد. سفر سوم در سال 1259 هجری قمری در کنفرانس "ارزنه الروم" بود و چهار سال در آنجا توقف کرد. میرزا تقی خان امیر جهان را دید و همان چیزی که در آن کشور دید در ایران استفاده کرد. میرزا تقی خان امیرکبیر به اصلاحات اقتصادی ایران مانند صنعت داخلی و علاوه بر ترقی و افزایش صادرات ایران توجه مبذول کرد. وقت دومین معاهده ایران و روسیه معاهده تجاری بسته شد و امیرکبیر برای تاسیس کارخانه ها، درس و تدریس در

زمینه اقتصادی استادان خارجی را استخدام کرد. میرزا تقی خان امیرکبیر به اقتصاد کشورهای غربی به خوبی آگاه بود. میرزا تقی خان امیرکبیر در ساخت و ساز راه آهن جدی بود. در کنار "دارالفنون" یک چاپخانه بنا نهاد. وی برای ترسیم نقشه ایران جدی بود و می خواست که نقشه کامل ایران تهیه شود. مهندس بزرگ عبدالرسول خان را به این کار دستور داد.

تاسیس دارالفنون: میرزا تقی خان امیرکبیر با تاسیس دارالفنون کار مهمی انجام داد. کشور ایران با علوم غربی نا آشنا بود و میرزا تقی خان امیرکبیر مطابق احتیاج وقت لازم شمرد که علوم غربی با علوم دینی باید است. در سال 1266 هجری قمری نقشه دارالفنون معرفی شد و در سال 1267 هجری قمری به اختتام رسید. میرزا رضا مهندس که تحصیلات از انگلستان گرفته نقشه "دارالفنون" را تهیه کرد و شاهزاده بهرام میرزا و محمد تقی خان معمار باشی با بنای "دارالفنون" کار مهمی انجام دادند. در "دارالفنون" تدریس و یادگیری معدن شناسی، ریاضیات، جغرافیه، تاریخ، سوره نظام، فیزیک و کیمیا و علاوه به کار ترجمه به کمک استادان خارجی و داخلی به اوج رسید. زیاده تر استادان از اتریش بودند که ذکر آنها به ذیل است.

زاتی اتریشی: در زمینه ریاضات و علاوه به مهندس کار مهمی انجام داد.

دکتر شلیمر هلندی: در پزشک کار ارجمند یادگار گذاشت.
بوهلر فرانسوی: در زمینه نقاشی و علاوه بر آن ریاضی خدمات لا محدود بخشید.

دکتر پولاک اتریشی: ده سال در ایران سکونت کرد و در
زمینه طب سهم فراموش نشدنی کرد.
ریشار خان فرانسوی: وی صنعت عکاسی در زمان محمد
شاه به ایران آورد و استاد بزرگ به زبان فرانسوی بود.
نیمرو اتریشی: استاد سواره نظام بود.
به این سبب معلوم میشود که بعد از تاسیس "دارالفنون" به
توسط میرزا تقی خان امیرکبیر و از آغاز درس و تدریس علوم جدید
توسط استادان خارجی و داخلی در زمینه تداوم و تغییر خدمات
لامحدود بخشیدند. در عهد امیرکبیر در زمینه نشر و ترجمه کتب به
دو طرز به اوج رسید یکی به سبب تاسیس "دارالفنون" و دوم به
سبب دستگاه مترجمان دولتی.
نتیجه گیری

از این تفصیل مقاله واضح است که يك طرف این عهد
رنسانس ایران به زمینه تداوم و تغییر خدمات لامحدود بخشید و از
طرف دیگر هم از مشکلات زیاد می گذرد. اوضاع داخلی و
خارجی، ایران را به دشواری انداخت. اوضاع داخلی مانند نزاع
پسران شاهان به طرف نواحی سرحدی، وجوه کهنه پرستی و فساد
اخلاقی و اجتماعی. اوضاع خارجی به سبب رقابت بین کشور
مانند انگلیس، روسیه و فرانسه و نزدیک ایران به کشور هند و علاوه
بر آن مسأله هرات و افغانستان ایران را خواه و ناخواه به سیاست
بزرگ کشید. در این عهد "معاهده گلستان" در سال 1813 م بین
ایران و روسیه و دیری نگذشت که يك معاهده دیگر "معاهده
ترکمانچای" در سال 1828 بین ایران و روسیه به اتفاق افتاد.

باوجود این ایران ثبات بود و مردم سهر آورده مانند میرزا ابوالقاسم قایم مقام و میرزا تقی خان امیرکبیر به بهروزی و بهسازی ایران کار مهمی انجام دادند که ذکر آنها به تفصیل آورده شده است. پیشرفت زبان و ادبیات فارسی هم در این دوره قابل ستایش است. در این عهد همچنین "نهضت بازگشت ادبی" به وجود آمد. از خدمات بزرگ و حسن توجه وزرا، شاهان و علاوه به شعرا و نویسندگان ادبیات را از سبک کهن پرستی و متکلف بیرون آورد و به نزدیک ساده نویسی و ساده گفتاری آورد. میرزا ابوالقاسم قایم مقام به سبک ساده نویسی کار مهمی انجام داد. میرزا تقی خان امیر همان گامهای میرزا ابوالقاسم قایم مقام را پیروی کرد. بعد از تاسیس "دارالفنون" در سال 1266 هجری قمری مردم از آگاهی علوم و فن جدید آشنای یافتند. میرزا تقی خان امیرکبیر مخالف رشوه و فساد اخلاقی بود. رفت و آمد دانشجویان از ایران به اروپا و از اروپا به ایران زیاد شد. در زمان فتحعلیشاه دانشجویان زیادی به اروپا رفتند و سپس در زمان محمد شاه آمدورفت دانشجویان مداوم ماند. در زمان ناصرالدین شاه هم تداوم و تغییر قابل ستایش است که ذکر این امر به تفصیل موضوع مقاله بالا آورده است. ناصرالدین شاه نخستین شاه قاجار است زیاد به اروپا سفر کرد. صدارت میرزا تقی خان امیرکبیر دوران پادشاهی ناصرالدین شاه فراموش نشدنی است. به این سبب سهم میرزا ابوالقاسم قایم مقام و میرزا تقی خان امیرکبیر در تداوم و تغییر در عصر رنسانس ایران در تاریخ جهان جای مهم دارد.

منابع و مأخذ

- 1- آرين پور، يحيى، از صبا تا نيما، سازمان انتشارات علمى و فرهنگى، تهران، 1387 هجرى شمسى.
- 2- حكيمى، محمود، داستانهاى از زندگاني ميرزا اميركبير، چاپ بيست و ششم، چاپ و نشر از دفتر نشر فرهنگ اسلامى، 1368 هجرى شمسى.
- 3- ابراهيم صفايى، نهضت ادبى ايران در عصر قاجار، كتاب فروشى ابن سينا، چاپ دوم، تهران، 1971 م.
- 4- يغما، سيد بدرالدين، منشآت قايم مقام، انتشارات شرق، تهران، 1366 شمسى.
- 5- مشكور، دكتور محمد جواد، تاريخ ايران زمين از روزگار باستان تا انقراض قاجار، ناشر، اشراقى صفار، تاريخ نشر، 1389 شمسى.
- 6- مكى، حسين، زندگاني ميرزا تقى خان اميركبير، چاپخانه محمد على علمى، چاپ دهم، تهران 1366 هجرى شمسى.
- 7- ورهرام، دكتور غلامرضا، تاريخ سياسى و سازمانهاى اجتماعى ايران در عصر قاجار، انتشارات معين، تهران، 1369 هجرى شمسى.